

علم و ایمان

داو کینز و کالینز

اطلاعات: ش ۲۴۳۸۶، ۱۰/۲۸، ۱۳۸۷



چکیده: این گفت‌وگو که تحت عنوان «علم و ایمان» ارائه شده، در واقع مناظره‌ای است پیرامون «خدا در برابر علم» بین «داو کینز» یک زیست‌شناس ملحد و کالینز متخصص علم ژنتیک، که در ۲۷ سالگی از الحاد به ایمان رسیده است. در این مناظره، از تقابل علم و دین، تضاد نظریه داروین با نظریه پیدایش در تورات، و مسأله رجعت حضرت عیسی علیه السلام و معجزات او در تضاد با علم، سخن به میان آمده است.

○ یک فسیل‌شناس فارغ‌التحصیل هاروارد به نام استیفن جی گولد (Gould) این ادعای معروف را کرده بود که مذهب و علم می‌توانند در کنار هم زندگی کنند؛ زیرا هر دو برای خود فضای مستقل و جداگانه‌ای دارند. به نظر می‌رسد که شما دو نفر با این سخن مخالف باشید.

● کالینز: او یک دیوار تصنعی بین دو دنیا قرار داد که در زندگی من وجود ندارد. من به طور جدی به قدرت آفرینش خدا که همه چیز را در نخستین مرحله به وجود آورده باشد، معتقد هستم. من دریافته‌ام که مطالعه جهان طبیعت، یک فرصت و موقعیتی است تا عظمت، عالی بودن و پیچیدگی آفرینش خدا را مشاهده نمایم.

● داو کینز: من فکر می‌کنم نظریات استیفن گولد در تفکیک دو فضا، کاملاً یک بازی سیاسی بود تا مذهبی‌های خط وسط را به اردوی علم بکشاند، اما در عین حال نظریه‌ای بسیار توخالی بود! موارد بسیار زیادی وجود دارد که مذهب نمی‌تواند نظریات علمی را ندیده

بازتاب اندیشه ۱۰۶

۶۴

علم و
ایمان

بگیرد. هر باوری درباره معجزه، نه تنها مخالف حقایق علمی اثبات شده است، بلکه با روح علم مغایرت دارد!

○ آقای داوکینز، به نظر می‌رسد شما معتقدید که تئوری داروین، درباره تکامل، تنها در تغایر با داستان پیدایش (در تورات) نیست، بلکه فراتر از آن است.

● داوکینز: آری، برای قرن‌ها قدرتمندترین استدلال برای اثبات وجود خدا، در دنیای موجود، ادعای طرح و نقشه برای جهان بوده و گفته می‌شد این موجودات زنده، بسیار زیبا، باشکوه و قدرتمند فقط می‌توانند توسط یک خالق هوشمند ساخته شده باشند. اما داروین بیان ساده‌ای عرضه کرد. طبق نظریه او، حیات یک راه پله تدریجی بود که آغاز بسیار ساده و کوچکی داشت، ولی گام به گام به پیچیدگی، بهبود کیفی، انطباق با شرایط و کمال وجودی رسید. البته هر گام برای پیدایش هر موجود، به سادگی برداشته نشده است. وقتی در طول میلیون‌ها سال، تجربیات روی هم انباشته می‌شود، شما این احتمال بسیار بعید را می‌توانید به تحقق رسیده ببینید، همچون مغز انسان و باران جنگل‌ها. این حقیقت باید ما را علیه این ادعای خیالی، که هر چیزی که بسیار پیچیده و دشوار بود، باید حتماً خدایی آن را انجام داده باشد، هشدار دهد.

● کالینز: اما من بین نظریه پروفیسور داوکینز، با این‌که خدا جهان را طراحی کرده باشد، ناسازگاری نمی‌بینم.

○ چه زمانی این واقعه (آفرینش) ممکن است اتفاق افتاده باشد؟

● کالینز: خارج از طبیعت، خدا همچنان خارج از زمان و مکان است؛ بنابراین در لحظه آفرینش جهان، خدا ممکن است تکامل را به جریان انداخته باشد، با تمام علم و دانش نسبت به تحولات بعدی آن. و چه بسا همین مناظره‌ای که اکنون می‌کنیم، در علم خدا بوده است. این واقعیت که او می‌تواند هم آینده را پیش بینی کند و هم به ما اختیار و آزادی عمل عنایت کند، کاملاً پذیرفتنی است.

● داوکینز: اما من فکر می‌کنم این خطای فاحشی است! اگر خدا می‌خواست جهان و انسان را بیافریند، کمی عجیب به نظر می‌رسد که یک راه غیر عادی را انتخاب کرده باشد؛ یعنی ده بلیون سال قبل آفرینش را آغاز کرده باشد، پس از آن چهار بلیون سال هم صبر کند تا انسانی به وجود آید که استعداد پرستش داشته باشد، و بخواهد بقیه کارها را که، مذهبی‌ها به آن علاقه‌مندند، انجام دهد!

● کالینز: ما چه کسی هستیم که بخواهیم بگوئیم این شیوه عجیبی است؟ من فکر نمی‌کنم قرار خدا چنین است که همه تصمیماتش برای ما آشکار و بدیهی باشد. اگر او خدایی باشد که ما باید بدون اجبار و اکراه، او را طلب کنیم، در این صورت، آیا نباید برایش معقول باشد که مکانیسم تکامل را به کار برده باشد، بدون آن که بخواهد دلایل و نقش خود در آفرینش را، به وضوح و آشکارا برای ما بیان کرده باشد؟

● داوکینز: مردمی که به خدا معتقدند، چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که باید حتماً یک نیروی غیبی وجود داشته باشد که دائماً با عوامل ثابت شش‌گانه جهان در ارتباط باشد و آنها را تنظیم کند. راه دیگر امکان چند جهانی بودن است، چه بسا جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، یکی از آن جهان‌های بی‌شماری باشد که وجود دارد. در بین این جهان‌های بی‌حد و حساب ممکن است، به دلیل نظم نیافتن اصول ثابت (جاذبه و غیره) حیاتی به وجود نیامده باشد، اما در تعداد قلیلی از آنها، همچون جهان ما، این تعادل برقرار شده باشد.

○ آقای کالینز، رجعت عیسی علیه السلام بخش مهمی از ایمان مسیحی است، ولی آیا آن (همراه با موضوع بکرزایی (حضرت مریم علیها السلام) و معجزات دیگر) راه و روش‌های علمی را که بر ثبوت قوانین طبیعت تکیه دارد، نفی نمی‌کند؟

● کالینز: اگر شما خدا را خارج از طبیعت (زمان و مکان) می‌پذیرید، آنگاه هیچ اشکالی ندارد که خدا اراده نماید امری از خارج (ما فوق) قوانین طبیعت انجام دهد.

○ آقای کالینز، شما اخلاق انسانی را نه فقط موهبتی الهی، بلکه قرینه‌ای بر وجود خداوند دانسته‌اید؟

● ایثار، احتمالاً منشأهایی چون منابع شهوانی دارد! ما در گذشته ماقبل تاریخ، در خانواده‌های وسیع می‌زیستیم که مملو از اعضای متعدد بود و در پیشبرد منافع و خواسته‌ها با آنها فعال بودیم؛ زیرا ژن مشترک با آنها داشتیم. حال درست مثل مردمانی که با استفاده از وسایل جلوگیری، ارتباط جنسی برقرار می‌کنند، اما توجه ندارند که انگیزه این ارتباط، تولید بچه است، به فکر ما هم خطور نمی‌کند که دلیل کمک ما به سایرین بر پایه شرایطی است که اسلاف ما داشته و در گروه‌های کوچک زندگی می‌کرده‌اند! این، به نظر من بهترین دلیلی است که می‌تواند منشأ تمایل ما را به اخلاق و خوبی به دیگران توضیح دهد.

۱. تضاد علم و دین مخصوص عالم مسیحیت است. حقیقت این است که بحث‌های چون تضاد علم و ایمان و تضاد عقل و دین و... بیشتر در حیطه مسیحیت مطرح است که با پیشرفت علمی مخالفت می‌کردند و با تشکیل دادگاه تفتیش عقاید، جلو پیشرفت دانشمندان را می‌گرفتند. ولی در اسلام فراگیری علم لازم شمرده شده و علوم مورد نیاز جامعه و پیشرفت‌های آن واجب کفایی دانسته شده است.

۲. کتب عهدین نه وحی است و نه قابل دفاع عقلانی.

کتب عهدین، طبق اعتراف خود مسیحیان، وحی مستقیم آسمانی نیست؛ بلکه سال‌ها بعد از حضرت مسیح علیه السلام توسط حواریون جمع آوری شده است. چنان که این کتب قابل دفاع عقلانی نیستند.

۳. فرضیه داروین و نظر قرآن.

مرحوم علامه طباطبایی علیه السلام در این باره گفته‌اند: آیات کریمه، ظهور نزدیک به صراحت دارند در این که بشر امروزی از طریق تناسل به یک زن و مرد معینی منتهی می‌شود که نام آن مرد، آدم است [و زن حوا] و این دو، اولین بشری هستند که از هیچ پدر و مادری تولد نیافته‌اند؛ بلکه از خاک یا گل یا لایه یا زمین (بنابر اختلاف تعبیر قرآن) آفریده شده‌اند. این مسأله از ضروریات دین نیست تا منکر آن مرتد شمرده شود؛ گرچه شاید از ضروریات قرآن به شمار آید که نسل حاضر بشر، به مردی به نام آدم منتهی است یا فردی از جنس انسان است؟ بنابر احتمال دوم، آیا این فرد از جان‌داران دیگری چون میمون تولد یافته است و از طریق تطوّر انواع به وجود آمده یا آن که سلسله توالد و تناسل که در بین انسان‌ها برقرار است، پس از رسیدن به آدم و همسرش منقطع می‌شود و آدم و همسر او از زمین تکوّن یافته‌اند و از پدر و مادر دیگری متولد نشده‌اند؟ هیچ یک از این چند صورت، ضروری دین اسلام و قرآن کریم نیست و به هر تقدیر، ظاهر آیات قرآن همین احتمال اخیر است؛ یعنی از ظاهر قرآن بر می‌آید که نسل حاضر بشر به آدم و همسرش منتهی می‌شود و آن دو از پدر و مادری متولد نشده‌اند، بلکه از زمین تکوّن یافته‌اند... این فرضیه که نسل بشر به یک یا چند جفت انسان منتهی می‌شود، که این جفت‌ها از یک نوع حیوان دیگر جدا شده‌اند که آن حیوان از سایر حیوانات به مرز انسانیت نزدیک‌تر بوده (مانند میمون) با آیات قرآن سازگاری ندارد. آیات، صراحت در این دارند که مبدأ پیدایش نسل انسان، یک جفت انسان بودند و آن‌ها نیز از هیچ جان‌داری متولد نشده‌اند. در ضمن، دلیل علمی ارائه شده نیز از اثبات ادعا ناتوان است.^۱

بازتاب اندیشه ۱۰۶

علم و ایمان

۱. طباطبایی علیه السلام، محمد حسین، المیزان ج ۱۶، صص ۲۶۳-۲۶۹، و نک: عبدالحسین خسروپناه، کلام جدید،

در نتیجه باید گفت فرضیه تکامل با دلیل قطعی به اثبات نرسیده است و بر فرض که روزی اثبات قطعی شود با قرآن تنافی نخواهد داشت.

۴. وجود عوالم دیگر

آقای داوکینز بارها در بحث‌ها از دلایل عقلی، آن‌هم به صورت احتمال، استفاده نموده و وجود عالم‌های دیگر را پیش بینی کرده است. به ایشان باید گفت اولاً علم به چنین چیزی دست نیافته است و از این رو نمی‌توانند چنین مطالبی را بدون استناد علمی بیان کنند. ثانیاً اگر وجود چنین عوالمی ثابت شود (که در روایات اسلامی به آن عوالم اشاره شده است) هرگز به معنای بی‌نیازی این عالم و عوالم دیگر از علت ایجاد کننده به نام خدا نیست، بلکه همه آنها دلالت بر وجود خالق ایجاد کننده دارد.

۵. معجزه و رجعت عیسی علیه السلام

با توجه به معنای معجزه، اولاً باید گفت معجزه نفی روش‌های علمی و قوانین حاکم بر طبیعت نیست، بلکه معجزه معلول علّتی است فوق علل مادی. ثانیاً رجعت حضرت عیسی علیه السلام و جمعی از خوبان و بدان، امر مسلمی است که در اسلام خصوصاً مذهب تشیع مطرح شده است و در جای خود روشن شده است که هیچ‌گونه استحاله عقلی ندارد.

ثالثاً قیاس معجزه به هواپیماسازی و... نادرست است؛ چرا که معجزه از توان بشر خارج است و لذا معجزاتی همچون اژدها شدن عصای موسی علیه السلام و زنده کردن مرده‌ها توسط حضرت مسیح علیه السلام و معجزات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هنوز توسط بشر ایجاد نشده است و هرگز هم ایجاد نخواهد شد، اما هواپیماسازی و امثال آن هر روز پیشرفته‌تر از گذشته ساخته می‌شود.

۶. اخلاق ریشه شهوانی دارد؟

داوکینز می‌گوید: «ایثار احتمالاً منشأهایی شهوانی چون منابع شهوانی دارد...» خوب است آقای داوکینز بداند که روانشناسان می‌گویند: روح آدمی چهار بعد یا حس اصلی دارد: الف) حس دانایی؛ ب) حس نیکی، که سرچشمه مسائل اخلاقی و انسانی در جهان بشریت است؛ ج) حس زیبایی؛ د) حس مذهبی که انسان را دعوت به شناسایی خدا و پرستش او می‌کند.^۱

و به هر حال تفسیر مادی کینز از مسأله اخلاق، در واقع ریشه در نگاه مادی گرایانه وی به انسان و جهان دارد.

بازتاب اندیشه ۱۰۶

۶۸

علم و
ایمان

۱. مکارم شیرازی، ناصر، اصول و عقائد قم، نسل جوان، صص: ۳۳ و ۳۴.

صص ۴۱۰ و ۴۱۱.